



دانشگاه اراک

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

جامعه‌شناسی ادبی در آثار داستانی جلال آل احمد

پژوهشگر

زهرا صالحی‌نیا

استاد راهنما

دکتر امین رحیمی

استاد مشاور

دکتر سیده زهرا موسوی

زمستان ۱۳۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

جامعه‌شناسی ادبی در آثار داستانی جلال آل احمد

پژوهشگر:

زهرا صالحی‌نیا

پایان نامه

ارائه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت‌های لازم برای
اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه اراک

اراک- ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه.....
دکتر امین رحیمی (استاد راهنما) استادیار
دکتر سیده زهرا موسوی (استاد مشاور) استادیار
دکتر محسن ذوالفقاری (داور داخلی) دانشیار

ذوالفقاری

تقدیم به

پدر آسمانیم که غم نیدنش را تسلاپی نیست

و مادر جانم، که کوه استقامت و صبر، آب پاکی و زلالی و عشق، معنای خود را از او گرفته اند

و تقدیم به، همسر عزیز و مهربانم که معنای گذشت را به من آموخت و با خلق نیکویش
حلاوت زندگی را به من چشاند.

سپاس گزارمی

سپاس خدای راعزوجل که به گل لیاقت انسانیت و به انسان شایستگی خلیفه اللهی بخشید.
کریمی که داده هایش به لطف و نداده هایش به حکمت اندوخته لیاقت بشر.
و با سپاس فراوان از اساتید بزرگوار جناب آقای دکتر رحیمی و سرکار خانم دکتر موسوی
که آنچه ره توشه سالیان عمر کرده بودند، بی هیچ خساستی بر صفحه می تاریک وجودم نقش
کردند و با صلابت پدران و مهربادانان قدم به قدم در راه علم اندوزی یاریم کردند.

چکیده

یکی از موضوعاتی که در قرون اخیر در بررسی محتوای آثار به چشم می‌خورد دیدگاه جامعه‌شناسی است، موضوعی که قبل از آن با اینکه در شکل‌گیری ادبیات هر ملتی تأثیر به‌سزایی به صورت مستقیم و غیر مستقیم داشته، اما کم‌رنگ یا نادیده انگاشته شده است، در این روش سعی می‌شود (مسائل اجتماعی که در آثار ادبی تأثیرگذار بوده) مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

جلال آل‌احمد یکی از نویسندگان دهه‌ی چهل ایران، با توجه به اینکه از بطن مردم برخاسته و لایه‌های مختلف اجتماعی را به خوبی درک کرده، توانسته چهره‌ی اجتماعی آن دوران را به خوبی پیش چشم مخاطب ترسیم کند و از همین رو آثار مختلف جلال به ویژه داستان‌هایش رنگ و بویی اجتماعی به خود گرفته‌اند. لذا در این رساله، تلاش گردیده مسائل اجتماعی مطرح شده در داستان‌های جلال مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. رساله‌ی حاضر در چهار فصل تدوین یافته است: فصل اول شامل شرح آثار و احوال و سبک کلی نثر جلال آل‌احمد در همه‌ی آثار به جا مانده از وی است.

فصل دوم شامل تعریفی جامع از نظریه‌ی جامعه‌شناسی، چگونگی شکل‌گیری و تأثیر آن بر ادبیات است.

فصل سوم شامل شرح و تحلیل داستان‌های جلال با رویکرد جامعه‌شناسی ادبی می‌شود. و فصل چهارم به بررسی تأثیر نظریه‌ی جامعه‌شناسی مارکسیستی بر افکار و آثار جلال آل‌احمد می‌پردازد.

شیوه‌ی پرداخت این رساله نیز چنین است که خلاصه‌ای از داستان‌های جلال با درون مایه‌های اجتماعی بیان و سپس با توجه به مسائل اجتماعی مطرح شده در هر یک به تحلیل و بررسی آثار پرداخته می‌شود.

پیشگفتار

داستان نوین فارسی (رمان، داستان کوتاه) پدیده‌ی هنری بدیعی بود که به تقریب اندکی پیش از انقلاب مشروطیت بر درخت تناور ادبیات ایران به بار نشست و خصوصیت‌ها و کیفیت‌هایی داشت که آن را به کلی از داستان سنتی (قصه‌های کوتاه و بلند) گذشته متمایز می‌کرد. این تمایز هم از نظر ساختاری توجه به ویژگی‌های خاص داشت که آن را از انواع قصه‌ها جدا می‌کرد و هم از نظر معنایی به وقایع روزمره و امور عینی و محسوس و خصوصیت روانشناسی و انسان‌گرایی روی آورد و گروهها و طبقه‌های مختلف مردم ایران را به هم شناساند و از اوضاع و احوال یکدیگر با خبر کرد و به افشای نا به سامانی‌های جامعه و خودکامی‌های حاکمان پرداخت.

دو عامل بنیادی، یعنی روانشناسی و حقیقت‌مانندی، داستانهای نوین را از قصه‌های سنتی جدا می‌کند و نگاه نویسنده را به مفاهیم فکری و مظاهر طبیعی و اجتماعی تغییر می‌دهد.

پس از رنسانس و انقلاب مشروطیت و با روی کار آمدن طبقه متوسط نواخته و نهضت انسان‌گرایی تحولی اساسی در ذهنیت و بینش انسان پدید آمد و به تبع آن، داستان نیز از این تحول تاثیر گرفت و خصوصیت روانشناختی و توجه به نحوه‌ی زندگی مردمان، چهره داستان را دگرگون کرد و این تحول به تدریج به کشورهای جهان راه پیدا کرد و قصه‌های کهن را کنار زد و داستان کوتاه و رمان امروزی را به جای آن نشانید.

به دنبال انقلاب مشروطیت و نفوذ فرهنگ غرب، داستان‌نویسی به صورت رایج در کشورهای غرب به ایران راه یافت و به جای ادبیات داستانی سنتی که تاثیر و اهمیت خود را بر اثر تحولات اجتماعی از دست داده بود نشست و از آن جا که رمان، به خصوص داستان کوتاه وسیله‌ای شد برای پرداختن به ناهنجاریهای اجتماعی و افشاگری سیاسی، جای خود را میان عامه مردم و روشنفکران و نخبگان باز کرد و رونق به سزایی یافت. و این موج انقلابی نه تنها بر قالبهای ادبی بلکه بر محتوا نیز چیره گشت.

نویسندگان و شعرا از ابرها به زیر آمدند و بر دنیای واقعی قدم نهادند. ادبیات سرچشمه خود را در عصاره‌های حیاتی جنبش ملی، در واقعیتها و در برقراری ارتباطات سیاسی و اجتماعی یافت.

رمانهای آغازین فارسی حد فاصلی است میان قصه‌های بلند و رمان‌های واقعی، خصوصیت‌های هر دو نوع را می‌توان در آنها دید، هم مثل قصه‌های کهن پیرنگ ضعیفی دارند و بر محور حوادث

می‌گردند و هم کما بیش دارای خصوصیت‌های روان‌شناختی‌اند و گامی است به سوی ادبیات داستانی نوین مانند داستانهای طالبوف و زین‌العابدین مراغه‌ای.

اما به طور کلی می‌توان سه دوره‌ی مشخص را برای ادبیات داستانی نوین عنوان کرد، سه دوره‌ای که سه نسل داستان‌نویس را پرورش داده است:

۱- دوره آغازین و تکوینی

۲- دوره رشد و شکوفایی

۳- دوره ناهمگونی

- دوره‌ی آغازین و تکوینی: از سال ۱۳۰۰ با مجموعه داستان‌های کوتاه «یکی بود، یکی نبود» نوشته‌ی محمد علی جمالزاده شروع می‌شود و تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ادامه می‌یابد و داستان‌نویس‌هایی چون محمد علی جمالزاده، صادق هدایت، بزرگ علوی، صادق چوبک، م. الف. به آذین (محمود اعتماد زاده)، سیمن دانشور، ابراهیم گلستان و جلال آل‌احمد را در بر می‌گیرد که آثار هر کدام از آن‌ها ویژگی‌های خاص خود را دارد و راه داستان‌نویسی را هموار می‌کند. در واقع، این نویسندگان پیش‌قراولان داستان‌نویسی نوین فارسی‌اند.

- دوره رشد و شکوفایی: از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز می‌شود و تا انقلاب ۱۳۵۷ ادامه می‌یابد. این تحول چهره‌ی واقعی خود را بعد از کودتای ۳۲ نشان داد. پیش از کودتا، دانه‌های تحول در باغچه‌ی کوچک ادبیات داستانی فارسی ریخته شده بود و سرمای زود رس پس از کودتا و اختناق اجتماعی بعد از آن، نتوانست جلو رشد و باروری آن را بگیرد، اگر چه اثر شوم خود را بر داستان‌های تنی چند از داستان‌نویسان این دوره گذاشت. اما بعضی از داستان‌نویسان نسل اول دوره قبل مثل آل‌احمد، گلستان و به آذین و به خصوص دانشور بهترین آثارشان را در این دوره آفریدند و بعضی از خوش‌قریحه‌ترین و معروف‌ترین داستان‌نویسان ایرانی که به نسل دوم معروف شده‌اند، در این دوره ظاهر شدند.

- دوره‌ی ناهمگونی: این دوره از این لحاظ ناهمگون است که جریان‌های ادبی گوناگونی بوجود آمد که گاهی به کلی از هم متفاوت بودند و گاه در برابر هم قرار می‌گرفتند و همدیگر را نقض می‌کردند، یا همراه و همخوان با داستان‌های پیش از انقلاب بودند.

گروه نویسندگان نسل اول و دوم را می‌توان به تقریب به دو دسته‌ی متمایز از هم آورد:

اول: نویسنده‌هایی که کیفیت روانشناختی و خصایل سرشتی انسان در آثار داستانی شان عمده می شود، مثل هدایت، گلستان از نسل اول، غلامحسین ساعدی و بهرام صادقی و هوشنگ گلشیری از نسل دوم. در آثار داستانی این نویسنده ها، انسان به صرف انسان بودن می تواند موضوعی برای داستان باشد، اغلب بی آنکه توجهی به نابه سامانی های محیطی و اجتماعی انسان داشته باشند، خصوصیت روانی و خصلتی شخصیت های خود را برجسته می کنند و از خط و خطوط سیاسی و مذهبی و اجتماعی فاصله می گیرند و انسان کلی مورد نظر آنها قرار می گیرد.

دوم : نویسنده‌هایی هستند که خصوصیات اجتماعی و سیاسی روزگارشان در آثار آنها برجسته می شود، چون به نظراین گروه از نویسنده ها نویسنده اگر به واقعیت های جامعه و وضعیت و موقعیت های سیاسی و اجتماعی نپردازد، از عامل های ریشه ای و تاثیرگذار بر زندگی مردم غفلت کرده است. این گروه نویسنده ها بزرگ علوی، آل احمد، به آذین از نسل اول، احمد محمود، جمال میر صادقی و محمود دولت آبادی از نسل دوم به وابستگی انسان به محیطش می پردازند و در عین حال معتقدند بدون وجود و حضور انسان، محیط و اجتماع نیز نمی تواند وجود داشته باشد.

البته این حکم حتمی نیست هم در گروه اول و هم در گروه دوم آثاری یافت می شود که رنگ ویژگی آثار گروه دیگر را دارد.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: شرح آثار و احوال

۲	شرح احوال جلال آل احمد.....
۲	شرح آثار جلال آل احمد.....
۵	ازدواج جلال.....
۶	مرگ جلال.....
۶	تحولات اجتماعی دوران جلال.....
۸	بررسی آثار آل احمد از لحاظ فکری.....

فصل دوم: اصول جامعه‌شناسی ادبی

۱۳	جامعه.....
۱۳	جامعه‌شناسی.....
۱۴	جامعه‌شناسی ادبیات.....

فصل سوم: نقد جامعه‌شناسی چند داستان آل احمد

۱۸	خلاصه داستان «مدیر مدرسه».....
۱۹	بررسی فضای داستان «مدیر مدرسه».....
۲۱	نقد جامعه‌شناسی «مدیر مدرسه».....
۲۳	جامعه‌شناسی سیاسی «مدیر مدرسه».....
۲۵	جامعه‌شناسی اقتصادی «مدیر مدرسه».....
۲۷	جایگاه زن در ادبیات.....
۲۹	جایگاه اجتماعی زن.....
۳۱	زن از نگاه جلال.....

۳۲ خلاصه داستان «شوهر آمریکایی»
۳۳ نقد جامعه‌شناسی «شوهر آمریکایی»
۳۴ خلاصه داستان «بچه مردم»
۳۵ نقد اجتماعی «بچه مردم»
۳۷ خلاصه داستان «لاک صورتی»
۳۷ نقد جامعه‌شناسی داستان «لاک صورتی»
۳۸ نقد «مرد سالاری»

فصل چهارم: تاثیر جامعه‌شناسی مارکسیستی بر آثار جلال

۴۹ جامعه‌شناسی مارکسیستی
۵۱ چهره‌ی مارکسیست‌ها در ایران
۵۳ چگونگی تشکیل و فعالیت حزب کمونیسم در ایران
۵۵ تأثیر جامعه‌شناسی مارکسیسم بر افکار جلال‌آل احمد
۵۹ جلال روشنفکری تحولگرا
۶۳ نگاهی اجمالی بر «غرب زدگی»
۶۶ خلاصه داستان «سرگذشت کندوها»
۶۷ نقد جامعه‌شناسی «سرگذشت کندوها»
۷۰ نقد جامعه‌شناسی «از رنجی که می‌بریم»
۷۴ نتیجه‌گیری
۷۵ منابع و مأخذ

فصل اول

شرح احوال و آثار

شرح احوال جلال آل احمد

کودکی جلال در نوعی رفاه اشرافی روحانیت گذشت. خود او در این باره می گوید:

«در خانواده‌ای روحانی (مسلمان-شیعه) برآمده بودم. پدر و برادربزرگ و یکی از شوهرخواهرهایم در مسند روحانیت مردند. الباقی خانواده همه مذهبی اند با تک و توک استثنایی. برگردان این محیط مذهبی را در «دید و بازدید» و در «سه تار» و گله به گله در پرت و پلاهای دیگر می توان دید. نزول اجلال به باغ وحش این عالم در سال ۱۳۰۲ است. بی اغراق سرهفت تا دختر آمده ام که البته هیچ کدامشان کور نبوده‌اند اما جز چهارتاشان زنده نماندند. کودکیم در نوعی رفاه اشرافی روحانیت گذشت تا وقتیکه وزارت عدلیه «داور» دست گذاشت روی محضرها و پدرم زیر بار انگ و تمبر و نظارت دولت نرفت و در دکانش را بست و قناعت کرد به اینکه فقط آقای محل باشد. دبستان را که خواندم پدرم اجازه ادامه تحصیل به من نداد و گفت باید کار کنم، به بازار رفتم و مشغول کار شدم، اما دارالفنون هم کلاس‌های شبانه باز کرده بود که پنهان از پدر اسم نوشتم. روزها کار، ساعت سازی، سیم کشی برق، بعد چرم فروشی و از این قبیل... و شبها درس، تا پایان دوره دبیرستان به همین منوال پیش رفت تا توشیح «دیپلمه» آمد زیر برگه وجودم. در سال ۱۳۲۲ یعنی زمان جنگ. جنگ که تمام شد دانشکده ادبیات «دانشسرای عالی» را تمام کرده بودم و در سال ۱۳۲۶ معلم شدم. در حالیکه از خانواده بریده بودم با یک کربات و یکدست لباس نیمه آمریکایی که خدا عالم است از تن کدام سرباز به جبهه رونده‌ای کنده بودند تا من بتوانم پای شمس‌العماره به ۸۰ تومان بخرم. از همان دوران دبیرستان با سخنان احمد کسروی آشنا شدم و همکاری با مجله و روزنامه را شروع کردم.»

(حمید تبریزی، ۱۳۵۷، صص: ۶۳-۶۲)

شرح آثار جلال آل احمد

جلال آل احمد از نمایندگان دوره‌ی سوم نثر معاصر پارسی است. دوره‌ای که از ۱۳۲۰ به بعد آغاز می‌شود و پس از سکوتی طولانی دریچه‌های ارتباط باز می‌شوند. حزب و روزنامه است که از درو دیوار می‌بارد. اندیشه‌های غرب درست و نادرست ترجمه می‌شوند و «ایسم»‌های دهان پرکن صفحه‌های روزنامه‌ها و مجلات را پر می‌کنند. مجلات و روزنامه‌هایی که حتی هفته‌ای به چاپ می‌رسند و هر یک طرفدار یک جناح هستند و مدام یکدیگر را می‌کوبند. این دوره، دوره‌ی خشم و خروش است. دوره‌ی پویایی اندیشه‌ها از سویی و احتضار باورهای مرده و کهنه از سوی دیگر. البته

مجله سنگین ادبی و علمی نیز کم نیست مانند «یادگار» به مدیریت عباس اقبال و «سخن» زیر سایه هدایت با مدیریت خانلری.

در همین دوران بود که آل احمد با احمد کسروی (که بسیار فرد تندرویی بود و در کار مبارزه با صوفیگری و اشعار سعدی و مولوی بود) آشنا شد و در مجلات «پیمان» و بعد «مردامروز» و «تفریحات شب» و بعد مجله‌ی «دنیا» و مطبوعات حزب توده و... مقاله و داستان هایش را به چاپ رسانید. در این دوران آل احمد عضو رسمی حزب توده بوده است که با توجه به عقاید آنها کار می‌کرد. تا جایی که کتابی به نام «عزاداری‌های نامشروع» در سال ۱۳۲۲ از عربی به فارسی ترجمه و به بازار عرضه داشت که البته بازاریهای مذهبی همه‌اش را چکی خریده و آنها را سوزاندند. او پس از چهار سال از صورت یک عضو ساده در حزب توده به عضویت کمیته‌ی حزبی تهران رسید و نماینده کنگره شد. و از این مدت دو سالش مدام قلم زد.

اولین قصه‌اش در «مجله‌ی سخن» درآمد، شماره نوزدهم ۱۳۲۴ که آن وقت‌ها زیر سایه‌ی هدایت منتشر می‌شد و ناچار همه جماعت ایشان گرایش به چپ داشتند. در اسفند ۱۳۲۴ «دید و بازدید» منتشر شد که جلال در اولین مجموعه داستانش تنها توانست زندگی محدود دوروبر خود را به شیوه‌ای خام گزارش دهد که قلم نویسنده قادر به دستیابی به جوهره واقعیت و توصیف خلاقانه آن نیست. در مجموعه دوم خود به نام «از رنجی که می‌بریم» که در سال ۱۳۲۶ آفرید با نویسنده‌ای مواجهیم که می‌کوشد مضامین و آدم‌های جدیدی را تصویر کند و از میان خون و خشونت صدای تهی‌دستان شهر و روستا را بازتاب دهد. آل احمد از نظر روانی و سادگی نثر و حادثه‌پردازی در مجموعه داستان «از رنجی که می‌بریم» پیشرفت محسوسی کرد و زبان داستان هایش ساده و طبیعی و به دور از جملات بلند داستان‌های «دید و بازدید» است، حتی وصف‌ها نیز به سادگی در حد زبان گفتار رسیده‌اند.

بعد از این سال‌ها حزب دچار دودستگی می‌شود و جلال هم به بالتبع از فعالیت هایش کاسته می‌شود که بیشتر آثار ترجمه‌اش در همین دوره بوده و همچنین ازدواجش با سیمین دانشور. تا قضیه ملی شدن صنعت نفت که باز پا به عرصه‌ی سیاست می‌گذارد و پس از آن در گرداندن روزنامه‌های «شاهد» و «نیروی سوم» و مجله ماهانه «علم و زندگی» که مدیرش «ملکی» بود تا اردیبهشت ۱۳۳۲ همکاری می‌کند که به علت اختلاف نظر با دیگر رهبران نیروی سوم از آنها کناره می‌گیرد. پس از انشعاب، آل احمد به نحله‌های فکری دیگری گروید و به مرور دورن مایه‌های جامعه‌گرایی از نظرش محو شد، از جمله با ترجمه قمارباز اثر داستایوسکی، بیگانه و سوء تفاهم نوشته کامو و دست‌های آلوده اثر سارتر (بین سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۱) به اگرستانسیالیسم

متمایل شد. خودش گفته است که چون: «ممکن بود در آن بی‌ثمری و کوتاه دستی دق کرده باشم یا هروثینی و تریاکی شده باشم» این آثار را برای آموختن زبان فرانسه ترجمه کرده. اما نوع نگرش نویسندگان این آثار به زندگی، نشانگر تغییر فکری مترجم آنهاست.

(عابدینی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۷۷)

همه‌ی این عوامل باعث بوجود آوردن فرصتی برای سکوت اجباری مجددی شد تا به جد در خویشتن خود بنگرد و به جستجوی علت آن شکست‌ها به پیرامون خود دقیق شود و سفر به دور مملکت را آغاز کند که حاصل این سفرها «اورازان»، «تات‌نشین‌های بلوک زهرا» و «جزیره‌ی خارک» بوده که بعدها مؤسسه تحقیقات اجتماعی به اعتبار این نوشته‌ها از او خواست نشریاتی را در این زمینه سرپرستی کند که او نپذیرفت، زیرا آنها می‌خواستند از این تک‌نگاریها (مونوگرافی‌ها) متاعی بسازند برای عرضه داشت به فرنگ و ناچار هم با معیارهای آنها و تمام این فراز و نشیب‌ها محرکی شد برای نوشتن «غربزدگی» که خود او این اثر را نقطه عطفی در زندگی نویسنده‌اش می‌داند.

آل احمد خود غرب زدگی را اینگونه تعریف می‌کند:

«غرب زدگی نوعی بیماری است که در نهایت، راه حل مسائل ملی و بومی را به مسائل جامعه بیگانه، ارجاع می‌دهد. به عقیده‌ی آل احمد و بسیاری از متفکران سنت‌گرا، راه‌هایی از این شرایط بیمارگونه، بازگشت به فرهنگ و سنت‌های خودی» است. با وجود اینکه این اندیشه طرفداران بسیاری داشت به علت موقعیت غالب نظرگاه اثباتی منشعب از غرب در دوران پهلوی، چنین طرز تفکری هرگز زمینه‌ای برای رشد نیافت.

(لحسائی زاده و مهدی، ۱۳۷۴: ۸۷)

بعد از آن سفرهایی به آمریکا به دعوت سمینار بین‌المللی ادبی و سیاسی دانشگاه «هاروارد»، شوروی برای شرکت در هفتمین کنگره بین‌المللی مردم‌شناسی و... داشته که آخرین سفر او به حج بوده است که سوغات آن کتاب «خسی در میقات» شده است.

از جمله سایر کارهای او که یا در مجلات گوناگون یا به صورت کتاب به چاپ رسیده اند عبارت اند از: «نون و القلم» (۱۳۴۰)، «ارزیابی شتاب زده» (۱۳۴۵)، ترجمه «کرگدن» اوژون یونسکو (۱۳۴۵)، ترجمه «عبور از خط» ارنست یونگر، نفرین زمین، خدمت و خیانت روشنفکران، ترجمه «گشنگی و تشنگی» یونسکو و سنگی برگوری.

درست است که غروب خورشید آسمان زندگی جلال بسیار زود و ناگهانی رخ داد اما او در این مدت کوتاه بسیار پرکار و دقیق بوده و هیچ گاه دست از قلم نکشیده گویی قلم، عضوی طبیعی از بدن اوست همچون انگشتانش. اگر جلال در نوشته هایش تلگرافی، حساس، دقیق، تیزبین، خشمگین، صمیمی، صریح، افراطی، منزه طلب و حادثه آفرین است، اگر کوشش دارد خانه‌ی ظلم را ویران کند، اگر در نوشته هایش میان سیاست و ادب، ایمان و کفر، اعتقاد مطلق و بی اعتقادی در جدال است در زندگی روزمره نیز همین طور است. مشکل جلال که خودش مشکل بسیاری از بندگان خدا را مطرح کرده در دوگانگی شدید میان زندگی روحی و جسمی اوست و شک نیست که ریشه‌های عمیق خانوادگی هم دارد. شاید این دوگانگی او را به حادثه جویی کشانده، شاید هم روحاً حادثه جو خلق شده است. هر طور که باشد زندگی جلال را می‌توان این طور خلاصه کرد: «به ماجرا یا حادثه‌ای پناه بردن، از آن سرخوردن و رها کردنش که خود غالباً به حادثه‌ای انجامیده است آن گاه به خلق حادثه‌ای تازه یا به استقبال ماجرای نو شناختن»

(دستغیب، ۱۳۷۱: ۲۵)

ازدواج جلال

سیمین دانشور در مورد ازدواج خود با جلال آل احمد چنین می‌گوید:

«جلال و من همدیگر را در سفری از شیراز به تهران در بهار سال ۱۳۲۷ یافتیم و با وجودی که در همان برخورد اول درباره‌ی وجود معادن لب لعل و کان حسن شیراز، در زمان ما شک کرد و گفت: که تمام این گونه معادن در زمان همان مرحوم خواجه حافظ استخراج شده است، باز هم به هم دل بستیم. ثمره‌ی این دلبستگی، چهارده سال زندگی مشترک ماست. در لانه‌ای که خودش تقریباً با دست خودش ساخت. در این چهارده سال شاهد آزمودن‌ها، کوشش‌ها، فداکاری‌ها، همدردی‌ها، سر خوردگی‌ها و نومیدی‌های جلال بوده‌ام و به او حق می‌دهم که اخیراً از درد و رنج کم تحمل شده باشد. بچه هم نداریم که بردباری را یک صفت خواهی نخواهی برای او بسازد.»

(علی دهباشی، ۱۳۶۴: ۸۰)

خانواده جلال به ویژه پدرش که روحانی اسم و رسم داری بود با ازدواج ما مخالف بودند اما با گذشت زمان با این واقعیت کنار آمدند.

مرگ جلال

وی در ۱۸ شهریور ۱۳۴۸ در سن چهل و شش سالگی در اسالم گیلان درگذشت. پس از مرگ نابهنگام آل احمد، جنازه‌ی وی به سرعت تشییع و دفن شد که باعث ایجاد باوری درباره‌ی سر به نیست شدن او توسط ساواک گردید. همسر وی، سیمین دانشور این شایعات را تکذیب کرده است ولی شمس آل احمد قویاً معتقد است که ساواک او را به قتل رسانده و شرح مفصلی در این باره در کتاب «از چشم برادر» بیان کرده است: اگر چه مطبوعات آن زمان به دستور ساواک علت مرگ را سخته قلبی او اعلام کردند اما هرگز ارتباط برآمدگی روی جمجمه و خون جاری از بینی جلال با سخته قلبی‌اش تشریح نشد.

سیمین دانشور در کتاب «غروب جلال» بیان می‌کند که علت مرگ جلال زیاده روی در مصرف مشروبات الکلی که از آن به نام نوشابه قزونیکا (نام ودکایی ساخت ایران در آن زمان) نام می‌برد بوده است البته بعید نیست این اظهارنظر همسر جلال به دنبال تحدیدهای ساواکیان بوده باشد، زیرا در آن دوران که جلال راه خود را یافته و به حقیقت‌گویی می‌پرداخته، کاسه صبر آنها لبریز شده و مانع از اظهار واقعیت شده‌اند. و با توجه به اینکه آل احمد در دوره بازگشت به دین و اعتقادات مذهبی بوده نمی‌توانسته دست به چنین کاری زده باشد.

جلال آل احمد در وصیت نامه‌ی خود آورده بود که جسد او را در اختیار اولین سالن تشریح دانشجویان قرار دهند ولی از آنجا که وصیت وی مطابق شرع نبود، پیکر او در مسجد فیروزآبادی جنب بیمارستان شهرداری به امانت گذاشته شد تا بعدها مقبره‌ای در شأن او ایجاد شود که این کار هیچ‌گاه صورت نگرفت.

بر دیواری که قبر جلال پای آن است نوشته شده: «آرامگاه ابدی جلال آل احمد، مردی که در میقات، خسی و در ادبیات کسی بود، همو که جلال آل قلم بوده» جلال آل قلم برای جلال آل احمد لقب درخوری است. اگر به شخصیت تأثیرگذار او میان نویسندگان و شاعران جوان آن روزها توجه کنیم، او در چهار قامت مختلف آثار ماندگاری خلق کرد اما چیزی که تا حد زیادی متمایزش می‌کند فعالیتش به عنوان یک روشنفکر و شخصیت فرهنگی است.

تحولات اجتماعی دوران جلال

هر دوره‌ی تاریخی با دوره تاریخی دیگر از نظر ماهیت و نوعیت مختلف است همان طور که از نظر زیستی، جانوران از نوعی به نوع دیگر متبدل می‌شوند و تغییر ماهیت می‌دهند، دوران‌های

تاریخی نیز همین طور است. از این رو هر دوران تاریخی قوانین ویژه‌ای دارد، هرگز قوانین دوران قبل از یک دوران یا قوانین دورانی بعد از آن دوران را نمی‌توان به آن دوران تعمیم داد. همانطور که آب تا وقتی که آب است تابع قوانین خاص مایعات است و وقتی که به بخار تبدیل می‌شود تابع قوانین گازها است.

(مطهری، ۱۳۸۲، ج ۵، صص: ۱۲۹-۱۳۰)

حوادث تاریخی - اجتماعی ایران نیز در هر دوره از این قاعده مستثنی نبوده است. لازم به ذکر است در سال‌های پنجاه به دلیل افزایش درآمد نفت و بالا رفتن سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران و رشد اقتصاد دلالی و بورس زمین بازی، طبقه متوسطی که بر این زمینه اجتماعی توسعه می‌یافت، زندگی انگل وار و پرماللی کرد. توجه به انحطاط فرهنگ و شیوه‌ی زندگی که از پیامدهای فاجعه بار چنین وضعیتی است، روشنفکران مترقی را به نگرش انتقادی و جستجوی راه حل‌های بومی واداشت. این تلاش که منجر به رشد فرهنگ ملی شد در عمده ترین گرایش‌های هنری دوران آشکار گشت، به طوری که «ادبیات گریز» دهه قبل به ادبیات مقابله با مظاهر وابستگی و اکتشاف مایه‌های ملی تبدیل شد تا جایی که ادبیات سال‌های ۴۲-۵۷ ادبیات بیداری و به خودآیی است.

(عابدینی، ۱۳۶۸، ج ۲: صص ۱۴-۱۳)

در این بین هدف عمده ادبیات بیداری و به خودآیی برقراری ارتباطی هوشیارانه با واقعیت و تاریخ است. پس از مرحله شیفتگی روشنفکران نسبت به تمدن غرب در سال‌های مشروطیت و گرایش‌های جهان وطنی در دهه ۳۰-۱۳۲۰، اینک «مرحله‌ی به خود آمدن» از آن رویاهای باطل و طغیان علیه مجموعه عواض بیمارگونه در بنیادهای فرهنگ و تمدن سرزمین‌های استعمارزده است به گونه‌ای که در تمامی گرایش‌های پیشرو روشنفکری نوعی تلاش برای اعتلای فرهنگی و مقاومت در برابر سیاست‌های فرهنگی حکومت، که در پی به کارگیری هنر و ادبیات در راستای مقاصد سیاسی تبلیغی خویش بود به چشم می‌خورد.

در این دوران به دلیل خفقان سیاسی پهلوی و اوضاع نابسامان سیاسی و نزدیک شدن به جنگ جهانی هرگونه نظریه پردازی آزادانه در مورد جامعه‌شناسی مورد سرکوب شدید قرار می‌گرفت، اما در همین دوران جلال با شجاعت و جسارت خاص خود تفکر بومی کردن علوم اجتماعی را مطرح کرد (۱۳۵۶). آل احمد استدلال می‌کرد که دانشمندان علوم اجتماعی در ایران چنان شیفته و اسیر علوم غربی شده اند که قادر نیستند جامعه خود را بوسیله‌ی دیدگاهی غیر از دیدگاه حاکم غربی درک کنند.

رویگرد جامعه‌شناسی در ایران آن دوران همچون علوم اجتماعی دیگر جوامع پیرامونی، همواره در کشاکش و رویارویی با جامعه‌شناسی درون‌زا (که ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی، اصول، عادت‌ها و جهان‌نگری ایرانیان تاثیر گرفته) قرار داشته است.

لکن نویسندگان صف شکنی هم‌پا به عرصه‌ی ادبیات گذاشتند که کارشان باعث اعتلای داستان‌نویسی در دهه‌های چهل و پنجاه شد از جمله می‌توان ساعدی، نویسنده عزاداران بیل را نام برد. در گذر داستان بلند ایرانی نمی‌توان از «تنگسیر چوبک» و «نفرین زمین» آل احمد سخن نگفت یا به «روزگار رفته حکایت» گلستان بی‌توجه ماند. نسل جوانتر دو داستان نویس برجسته می‌پرورد یکی گلشیری است که در «شازده احتجاب» جدیدترین صفت‌های داستان‌نویسی را ماهرانه به کار می‌گیرد و دیگری دولت‌آبادی است که آثار نیرومندی درباره‌ی زندگی روستاییان خراسان می‌نویسد. بن‌مایه‌های داستان‌های محمود دولت‌آبادی عمدتاً حول مضمون «بازیابی خانگی پدری» نوشته شده است که بهترین نمونه‌گرایش به مضامین جامعه‌شناسی است. او می‌گوید: «شناسایی خود و محیط زیستی خود، هر چند دردناک و گاه تباه‌کننده باشد، از ضروریات زندگی اجتماعی هنرمند ایرانی است». سووشون دانشور نیز به علت ویژگی‌های ارزشمندش از بزرگترین رمان‌های این دهه است.

(همان: ۱۸)

بررسی آثار آل احمد از لحاظ فکری

جلال آل احمد در پی یافتن استقلال هنری پاره‌ای از ایرانی‌ترین داستان‌ها را پدید آورد. او در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در مجله سخن نوشته‌ای با عنوان «زیارت» چاپ کرد و سرزبان‌ها افتاد. نویسنده‌ی زیارت مردی بود با ذهن کنجکاو، نگاهی دقیق، اندیشه‌هایی تند، مطالعاتی وسیع و قلمی روان. او در این داستان توانست شرح دقیق و درونی از یک سفر زیارتی به دست دهد. جنبه مذهبی داستان آن قدر قوی است که توصیف‌ها را نیز در بر می‌گیرد. (خورشید با قرص قرمز رنگ خود کم‌کم فرو می‌نشست در نظرم پرچم خونین عزیزان زهرا می‌نمود که اندک‌اندک سرنگون می‌شد)

اولین مجموعه داستانی او «دید و بازدید» بود که نثری خام و ابتدایی داشت و پس از آن «از رنجی که می‌بریم» را به چاپ رساند که در این مجموعه به توصیف وضعیت کارگران و کشاورزان پرداخته است و به خوبی از پس این کار برآمده است.

آل احمد پس از این دو مجموعه دست به ترجمه چند اثر زد که از آن جمله: «قمارباز» از داستا یوسکی، «بیگانه» و «سوء تفاهم» از کامو؛ «دست‌های آلوده» اثر سارتر و «کرگدن» از اوژون یونسکو بوده است.

آل احمد در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۲۷ دو مجموعه داستان «سه‌تار» و «زن زیادی» را منتشر کرد. تمام داستان‌های «سه‌تار» درباره‌ی زندگی مردمان ساده‌ای است که قربانی شرایط نابه‌هنجار زندگی می‌شوند. اگر در «از رنجی که می‌بریم» آدم‌ها به چنین وضعی اعتراض می‌کنند؛ اینک نویسنده باور به اقدام اجتماعی را از دست می‌دهد و به یأسی که نتیجه فقر و جهل است تن می‌دهد. تمامی داستان‌ها از موضوع‌های ساده‌ای برداشت شده‌اند که همه روزه در زندگی عادی با آنها مواجه می‌شویم. آنچه در بطن داستان‌ها قرار دارد، فکر «شکست» است. فکری که در کتاب «از رنجی که می‌بریم» هم دیده می‌شود و این بار به خوبی با موقعیت فکری نویسنده جور در می‌آید؛ اما هنوز به تفکر ایده آل خود دست نیافته است. در «سه‌تار» آل احمد بار دیگر، منتهی با قدرت هنری بیشتری از «دید و بازدید» با مضامین مورد علاقه‌ی خود باز می‌گردد. زیرا دیگر شور و شوق‌های اجتماعی فرو نشسته و نویسنده از غرور بیست سالگی به تلخی سی سالگی رسیده است.

سه‌تار، داستان مردی است که پس از مدت‌ها به آرزوی ساده‌اش - خرید تار - می‌رسد، اما پس از درگیری با فردی متعصب تمام آرزوهایش بر باد می‌رود. در «لاک صورتی» که داستان بهتر و مفصل‌تری است، زنی، با تقلای فراوان یک شیشه لاک می‌خرد، اما با واکنش سخت شوهرش که بی پول است روبه‌رو می‌شود. در «زندگی که گریخت» باربر گرسنه‌ای پس از روزها بیکاری، کاری دست و پا می‌کند، اما زیر بار تاب نمی‌آورد و جاننش را از دست می‌دهد. نویسنده با قرار گرفتن در موقعیت روحی باربر، صحنه‌های گویایی از تلاطم روحی و روانی وی را تجسم می‌بخشد.

در «آرزوی قدرت» نیز آرزوی کارمندی کوچک به نامرادی می‌انجامد «زیرچی» کارمند دون پایه، مفتون اسلحه سرباز و ترسان از آن، آن قدر دنبال سرباز می‌رود تا به او مشکوک می‌شوند و بازداشتش می‌کنند.

اصولاً فرویدیسیم در آثار آل احمد به شکل جنسی مطرح نمی‌شود - جز در گناه - بلکه در ریشه‌یابی دوران کودکی و ارتباط دادن حوادث جاری به آرزوهای گمشده آن دوران، خود را می‌نمایاند.

آل احمد در «اختلاف حساب»، فقر در «بچه‌ی مردم» و «زن زیادی» به جای گزارش ساده وقایع به تحلیل روحی و توصیف اضطراب‌های درونی افراد می‌پردازد و با بازسازی موقعیت روحی

آن‌ها، موفق به آفریدن آثار هنری و خواندنی می‌شود که البته این داستانها استثنائاتی هستند که جلال به نثر درون‌گرا روی می‌آورد.

او با دقت وقایع را پهلوی هم می‌چیند و جنبه‌های گوناگون زندگی قهرمانان داستان را مورد کاوش قرار می‌دهد. به گونه‌ای که با گذشته و حال آنها آشنا می‌شویم و می‌توانیم آینده‌ی آنها را نیز حدس بزنیم، آینده‌ای مبهم و آکنده از تشویش و نگرانی.

آل احمد در «زن زیادی» صنعت جریان ذهن را به خوبی برای نمودن آشفتگی‌های ذهنی تازه عروس رانده شده از خانه شوهر به کار می‌گیرد: زن سرافکنده و عاصی، به خانه پدری بازگشته و روزهای شوهرداری را به یاد می‌آورد. این یادها، از طریق درهم آمیختن خاطرات، آرزوها و حسرت‌ها، وجود گوناگون زجر چندگانه‌ای را مجسم می‌کند که در جامعه پدرسالار بر زن تحمیل می‌شود.

جلال در داستان‌های «دفترچه بیمه»، «مسلول»، «دزدزده» و «جاپا» وسوسه‌های درونی انسانی را نشان می‌دهد که در پی گریز از زندگی و جلب ترحم دیگران است. و اخوردگی‌های روحی راوی این داستان‌ها، در داستان «جاپا» بعدی تمثیلی می‌یابد: راوی آرزو می‌کند جاپایش روی برف‌ها باقی بماند. او فقط به خودش می‌اندیشد!

«به خودم می‌اندیشیدم که زیرلباس هایم می‌لرزیدم و از سرما می‌گریختم و به خودم سرکوفت می‌زدم که: می‌بینی! احمق! همشون خوش و گرم از دهن همشون مثل اسب بخار بیرون می‌زنه، می‌بینی؟ می‌بینی پاهاشونو چه محکم و دراز می‌دارن؟ آره؟ تو چی می‌گی؟ تو، تو که داری از سرما زه می‌زنی. تو که داری جون می‌کنی. و جاپام رو هیچی نمی‌مونه، رو هیچ چی!... حتی برف!»

(زن زیادی، ۱۵۳: ۱۳۵۷)

عاقبت راوی داستان که از سرمای اجتماعی تحمل خود را از دست داده است، به کنج اتاق پناه می‌برد. با این روشنفکرگریخته به کنج عزلت در داستان «دهن کجی» از مجموعه «سه تار» نیز مواجه می‌شویم. راوی داستان به دنبال گوشه‌ای امن و دنج می‌گردد اما سر و صدای تاکسی‌های گاراژ روبه روی اتاق، خوابش را می‌آشوبد، او نیز واکنشی از سر یأس نشان می‌دهد و سنگی به سوی پرتاب می‌کند. با تفسیر شرایط نوع برخورد با مسائل نیز تغییر می‌کند و خصلت‌های بیمارگونه بر شخصیت‌های داستان‌ها چیرگی یافته و منافع فردی جای مصالح جمعی را می‌گیرند.